



صبح به خیر، حماس!

Good Morning, Hamas

Uri Avnery

یوری آونری

برگردان: محمد علی اصفهانی

یوری آونری، نویسنده، روزنامه نگار و فعال سیاسی صلح طلب اسرائیلی، و از بنیانگذاران حرکت معروف Gush Shalom یا «جمعیت صلح» به فارسی، و «کتلة السلام» به عربی، چندان نیازی به معرفی ندارد.

آنچه فارسی شده اش را می خوانید مقاله ی تازه ی اوست به تاریخ اول مارس. این مقاله را نه یک فلسطینی نوشته است؛ و نه حتی نویسنده یی اسرائیلی از نوع میشل وارشاوسکی ها و یا آهارون شابتی های فراتر از همه ی مرز ها و بوم ها.

ستم بی حد و حصر اسرائیل بر مردم فلسطین، به خصوص بر مردمی که ماه ها و ماه هاست که تنها به جرم فلسطینی بودن و فلسطینی زاده شدن، در نوار غزه، اسیر یکی از بی رحمانه ترین و بی سابقه ترین اشکال تحریم قرار گرفته اند ادامه دارد؛ و شب و روزی نیست که چندین کودک ناشکفته ی فلسطینی را اسرائیل، در برابر چشمان بسته ی «جامعه ی جهانی» پرپر نکند. همان چشمان بسته یی که فقط وقتی باز شدن را به صلاح خود می بینند که واقعه ی تلخی از نوع واقعه ی اخیر حمله ی محکوم فلسطینی یی غیر مسئول و به مرحله ی جنون

رسانیده شده به یک مرکز آموزش بنیادگرایی یهودی در بیت المقدس اشغالی اتفاق بیافتد؛ نه جنایات شبانه روزی و بی وقفه ی از پیش طراحی شده و سازمان یافته و مورد بحث و بررسی و تصویب قرار گرفته ی یک دولت به تمامی معنا تروریست مجهز به پیشرفته ترین امکانات و سلاح های نظامی، علیه مردمی غارت شده و بی پناه و تنها.

این مقاله، تلاشی است به منظور - در حد امکان - راهی یافتن برای خروج از فاجعه دیرپایی که گویا خیال پایان یافتن ندارد، از سوی نویسنده یی اسرائیلی که عمیقاً به منافع کشور اسرائیل فکر می کند و در همان چهارچوب می نویسد.

ما اسرائیلی ها در جهانی از اشباح و هیولا ها زندگی می کنیم. ما با آدم های زنده و سازمان های عینی نمی جنگیم. بلکه به جنگ شیاطین و ارواح خبیثه یی می رویم که اصلاً برای این ظاهر شده اند که ما را نابود کنند.

این جنگ، جنگ میان «فرزندان روشنایی» با «فرزندان تاریکی» است. میان خوبی مطلق و بدی مطلق.

اینچنین نگاه می کنیم ما به مسأله. و طرف مقابل نیز. بیاییم این جنگ را از این فضای مجازی، به روی زمین محکم و عینی بیاوریم. تا زمانی که ما این قلمرو دهشت و کابوس را ترک نکنیم، نه یک سیاست معقول میسر خواهد بود و نه یک گفتگوی عقلانی.

بعد از پیروزی حماس در انتخابات فلسطین، Gush Shalom [جمعیت صلح - جنبشی اسرائیلی که یوری آونری از بنیانگذاران آن است - م] اعلام کرد که اسرائیل باید با حماس مذاکره کند.

و اینک در اینجا، پاسخ به چند پرسش که از آن پس، از همه سو بر سر من رگبار شده اند ر می آورم.

* پرسش:

آیا شما حماس را دوست دارید؟

* پاسخ:

اصلاً. من باور های لاییک بسیار قوی دارم؛ و مخالف هر نوع ایده
تولوژی بی هستم که سیاست را با مذهب در هم بیامیزد. چه
مذهب یهودی؛ چه اسلام؛ و چه مسیحیت. چه در اسرائیل؛ چه
در جهان عرب؛ و چه در آمریکا.

اما این، مانع از آن نشده است که با حماس صحبت کنم.
همانطور که با دیگرانی هم که با آن ها هم عقیده نیستم صحبت
می کنم.

این، مانع از آن نشده است که میهمان حماس شوم؛ سعی کنم
که آن ها را بفهمم؛ و با هم تبادل نظر کنیم.

در میان ایده های حماس، ایده هایی هست که من دوست
دارمشان؛ و ایده هایی هست که من دوست ندارمشان.

* پرسش:

بعضی ها می گویند که حماس را اسرائیل «ساخته» است. آیا
این گفته ی آن ها واقعیت دارد؟

* پاسخ:

اسرائیل، حماس را «نساخته» است. اما قطعاً در آغاز کار
حماس، به او کمک کرده است. به این شکل:

در طی ۲۰ سال نخست اشغال فلسطین، رهبران اسرائیل،
سازمان آزادی فلسطین PLO را دشمن اصلی خود می دانستند.
از همین رو نسبت به سازمان های فلسطینی بی که آن ها فکر

می کردند که می توانند باعث به تحلیل رفتن سازمان آزادی فلسطین شوند نظر مساعد نشان می دادند. به عنوان مثال می شود از تلاش مضحک آریل شارون یاد کرد که می خواست «شهرک های متحد» عربی پی بسازد که در نقش عوامل اجرایی اشغالگران انجام وظیفه کنند. دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، که در تمام این ۶۰ سال اشغال فلسطین تقریباً هیچ وقت قادر نبوده است که وقایع جهان عرب را پیش بینی کند، در مورد حماس هم دچار اشتباه محاسبه شده بود.

دستگاه اطلاعاتی اسرائیل اینطور فکر می کرد که ظهور غیر منتظره ی یک سازمان اسلامی خواهد توانست سازمان آزادی فلسطین را که یک سازمان لاییک است تضعیف کند. و از همین رو در آن ایام اولیه، نظامیان اسرائیل حاکم بر سرزمین های اشغالی، هر فلسطینی پی را که در امور سیاسی - حتی در جهت صلح - فعالیت می کرد به زندان می انداختند؛ اما با میلپتان های مذهبی کاری نداشتند. مسجد ها تنها مکان هایی بودند که فلسطینیان می توانستند در آن جا گرد هم بیایند و برای فعالیت های سیاسی آماده شوند. اتخاذ چنین سیاستی از طرف اسرائیل، البته، محصول نا آگاهی کامل آن از فهم اسلام و واقعیت زندگی فلسطینی بود.

حماس - به صورت رسمی - درست پس از آغاز نخستین انتفاضه در پایان سال ۱۹۸۷ بنا نهاده شد. سرویس های امنیتی اسرائیل (که با نام های شاباک و شین بت شناخته شده اند) در ابتدا با حماس برخوردی ملایم داشتند. و فقط یک سال، بعد از تشکیل حماس بود که آن ها شیخ احمد یا سین، بنیانگذار حماس را دستگیر کردند.

و طنز آمیز است این که امروز می بینیم که درست بر عکس آن زمان، رهبران اسرائیلی از سازمان آزادی فلسطین حمایت می کنند به این امید که بتوانند اینچنین حماس را تضعیف کنند! نشانه یی روشن تر از این، برای اثبات حماقت «خبرگان» ما، در آنچه به اعراب مربوط می شود وجود ندارد. آمیزه یی از نخوت و خفت.

حماس برای اسرائیل، بسیار بیشتر از آنچه سازمان آزادی فلسطین خطرناک بوده است، خطرناک است.

* پرسش:

آیا پیروزی حماس در انتخابات به این معناست که اسلام در میان فلسطینی ها در حال پیشروی است؟

* پاسخ:

نه الزاماً. اینطور نیست که فلسطینی ها، از دیروز به امروز، یکباره مذهبی تر شده باشند.

البته این درست است که یک حرکت کند اسلامیزاسیون در منطقه وجود دارد. از ترکیه تا یمن. و از مراکش تا عراق. و این، در کشورهای عربی، عکس العمل نسل جوان عرب است در برابر شکست ناسیونالیسم لاییک در حل و فصل مسائل ملی و اجتماعی آن ها. ولی چنین چیزی باعث زلزله در جامعه ی فلسطینی نشده است.

* پرسش:

پس چرا حماس برنده شد؟

* پاسخ:

دلایل زیادی برای این امر وجود دارد. اصلی ترین این دلایل این است که فلسطینی ها قانع شده اند که از طریق مسالمت آمیز،

هیچ چیزی از اسرائیل عایدشان نخواهد شد. اوّل، بعد از مرگ یاسر عرفات، فلسطینی ها اینطور فکر کردند که اگر محمود عباس را به عنوان رییس جمهوری خودشان انتخاب کنند، اسرائیل و آمریکا، آنچه از عرفات دریغ می داشتند را به او خواهند داد. ولی بعد، فهمیدند که آنچه دارد رخ می دهد درست بر عکس انتظار آن هاست: یک گفتگوی واقعی، هیچ محتوا و مفهومی ندارد وقتی که هر روز و هرروز، کولونی ها رشد و گسترش بیشتری پیدا می کنند. فلسطینی ها با خود گفتند:

- اگر راه های مسالمت آمیز، بی نتیجه مانده اند، پس طبیعی است که راهی به جز روش های غیر مسالمت آمیز باقی نمی ماند. و اگر قرار شود جنگی در بگیرد، کسی بهتر از رزمندگان حماس نیست.

و دلیل دیگر:

فساد های بزرگ در دستگاه رهبری کننده ی فتح، چنان ابعادی یافت که باعث انزجار اکثر فلسطینیان شد. تا وقتی که یاسر عرفات زنده بود قضیه، فرق داشت. برای این که همه این را میدانستند که یاسر عرفات شخصاً انسانی شریف و درستکار است. ارزش و اهمیت بسیار زیاد عرفات در نبرد ملی فلسطین باعث می شد که مردم به نقاط ضعف دستگاه تحت مدیریت او زیاد توجه نکنند.

از سوی دیگر: حماس به عنوان یک سازمان سالم و عاری از فساد، شناخته شده بود با رهبرانی درستکار. نهاد های اجتماعی و آموزشی حماس، که مخارجشان عمدتاً به وسیله ی عربستان سعودی تأمین می شد، بسیار مورد حرمت و بزرگداشت مردم بودند.

چند دستگی ها و اختلافات درونی فتح نیز به کاندیدا های

حماس کمک کرد.

حماس، البته، در هیچ انتخابات مشابهی شرکت نکرده بود. اما اینطور تصور می شد - و حتی خود حماس هم اینطور تصور می کرد - که چیزی در حدود ۱۵ تا ۲۵ درصد آرا حاصل حماس شود.

* پرسش:

آیا می توانیم به صورتی معقول، انتظار داشته باشیم که فلسطینیان، خودشان حماس را مضمحل کنند؟

* پاسخ:

تا زمانی که اشغالگری اسرائیل ادامه دارد، کوچکترین شانسی در کار نیست. در همین هفته، یک ژنرال اسرائیلی گفت که اگر اسرائیل عملیات خود را [علاوه بر آنچه در غزه می کند - م] در کرانه ی باختری رود اردن [محل استقرار دولت محمود عباس - م] همچنان ادامه ندهد و وقفه یی در این عملیات ایجاد کند، حماس در آنجا هم جانشین محمود عباس خواهد شد.

محمود عباس، پا بر روی گل رس دارد: پاهایی آمریکایی و اسرائیلی. و اگر فلسطینی ها اعتمادی را که هنوز نیز به او دارند از دست بدهند، او فرو خواهد افتاد.

* پرسش:

اما چگونه می توان با سازمانی به قرار تفاهم و سازش رسید که اعلام می کند که هرگز اسرائیل را به رسمیت نمی شناسد، و منشورش هم خواهان نابودی دولت یهودی است؟

* پاسخ:

این اصطلاح «به رسمیت شناختن»، اصلاً احمقانه است؛ و فقط بهانه یی است برای اجتناب از دیالوگ با حماس. ما نیازی نداریم

که به این که کسی - هر کسی - ما را به «رسمیت» بشناسد. وقتی که آمریکا شروع به مذاکره با ویتنام کرد، از ویتنام نخواست که او را به عنوان یک دولت آنگلو ساکسون، مسیحی، و کاپیتالیست، به رسمیت بشناسد.

اگر «آ» یک توافقنامه با «ب» امضاء کند، این یعنی که «آ»، «ب» را به رسمیت شناخته است. مابقی، همه چرند است و جفنگ. این های و هوی امروز بر سر منشور حماس، های و هوی دیروز را به یاد می آورد که بر سر منشور سازمان آزادی فلسطین به راه انداخته شده بود.

و آن، در واقع، سندی بی اهمیت بود که سال ها به وسیله ی نمایندگان اسراییل مورد استفاده ی ابزاری قرار می گرفت تا توجیه و بهانه تراشی پی باشد برای رد کردن گفتگو با سازمان آزادی فلسطین.

زمین و آسمان را به هم دوختند تا سازمان آزادی فلسطین، آن را لغو کند. امروز چه کسی از آن منشور، حتی یادی هم می کند؟ کارها و رفتارهای عینی امروز و فردا هستند که اهمیت دارند؛ نه کاغذهای دیروز!

* پرسش:

ما باید با حماس از چه حرف بزنیم؟

* پاسخ:

قبل از هر چیز: یک آتش بس. وقتی که از جراحی خون جاری است، قبل از درمان جراحی، باید جلو ریزش خون را گرفت. بارها، حماس، پیشنهاد آتش بس کرد. همانچه در عربی به آن «هُدنه» گفته می شود.

و این آتش بس، یعنی متوقف کردن هر نوع عملیات جنگی: هم پرتاپ قسام و گراد و خمپاره از طرف حماس و سازمان های دیگر

فلسطینی؛ و هم پایان دادن به «قتل های نشانگیری شده» و تاخت و تاز و تهاجم، و محروم کردن مردم فلسطین از غذا، از طرف اسراییل.

گفتگو باید به وسیله ی مصری ها هدایت شود. مخصوصاً به این دلیل که مصری ها باید مرز میان نوار غزه و سینا را باز کنند. غزه باید آزادی زمینی و دریایی برای ارتباط با جهان داشته باشد. اگر حماس، خواهان این شود که آتش بس، کرانه ی رود اردن را هم [که مورد تجاوز دائمی و مستمر اسراییل است - م] شامل شود، باید در این مورد نیز صحبت کرد. چنین موردی، دیالوگی سه جانبه می طلبد میان حماس، فتح، و اسراییل.

* پرسش:

آیا حماس از آتش بس برای تسلیح خودش استفاده نخواهد کرد؟

* پاسخ:

قطعاً. درست مثل اسراییل. شاید بالاخره یک روز ما هم موفق شویم که راهی برای دفاع در برابر موشک های کم برد پیدا کنیم. [خواننده، طبعاً متوجه طنز تلخی می شود که یوری آنوری متعمداً برای نشان دادن بی معنا بودن این «دغدغه» به کار برده است. با مقایسه ی امکانات ناچیز و ابتدایی حماس، در برابر توان و امکانات نظامی پیشرفته و فوق مدرن دولت اسراییل!]

* پرسش:

اگر آتش بس، محقق شود، مرحله ی بعدی چه خواهد بود؟

* پاسخ:

متارکه ی جنگ. صلح غیر رسمی. چون برای حماس، مشکل ایجاد می شود اگر بخواهد یک قرارداد رسمی صلح دائمی با

اسرائیل امضاء کند:

بنا به دلایل سیاسی و مقطعی، عمر خلیفه ی دوم ناچار شده بود که پس از فتح فلسطین، این سرزمین را به عنوان یک «موقوفه» - یعنی سرزمینی متعلق به خدا - اعلام دارد. زیرا نگران آن بود که همچنان که در مورد سوریه پیش آمد، سرداران او، سرزمین فلسطین را بین خودشان تقسیم کنند. و این مسأله ی متعلق بودن سرزمین فلسطین به خدا، شبیه آن چیزی است که مذهبی های خود ما می گویند که اگر یهودیان، اندک قطعه یی از سرزمین فلسطین را رها کنند، مرتکب گناه شده اند؛ چرا که خدا صریحاً این سرزمین را به آن ها وعده داده است.

«هُدنه» که حماس آن را قبول دارد در واقع امر، جایگزین و معادل صلح است. و مقوله یی است عمیقاً جا افتاده و محکم در سنت های اسلامی...

از آنجایی که «هُدنه»، دارای ضمانت اجرایی در اسلام است، تجاوز از آن و زیر پا گذاشتنش توسط مسلمانان با ایمان، غیر ممکن است.

یک «هُدنه» می تواند ده ها سال طول بکشد و تا بی نهایت ادامه یابد. و این یعنی صلح. در صورتی که رابطه ی میان دو طرف، زمینه ی عینیت یافتن صلح را به وجود آورد.

* پرسش:

بنابر این، آیا یک صلح رسمی، غیر ممکن است؟

* پاسخ:

برای این هم راه حل وجود دارد:

حماس اعلام کرده است که مخالف گفتگوی صلح محمود عباس

با اسرائیل نیست؛ به شرطی که نتیجه‌ی حاصل شده از این گفتگو به فراندم گذاشته شود. و اگر مردم فلسطین، آن را تأیید کنند، حماس اراده و تصمیم مردم فلسطین را خواهد پذیرفت. این را خود حماس اعلام کرده است.

* پرسش:

چرا حماس، اینچنین خواهد کرد؟

* پاسخ:

حماس نیز مثل همه‌ی نیروهای سیاسی دیگر فلسطینی، خواهان قدرتی است سیاسی در دولت فلسطینی‌یی که در مرزهای ۱۹۶۷ تشکیل خواهد شد. و بنابر این، نیازمند آن است که از اعتماد اکثریت مردم برخوردار باشد.

ذره‌یی تردید وجود ندارد که اکثریت وسیع فلسطینیان، خواستار دولتی برای خود هستند و صلح. و حماس به خوبی این را می‌داند و هیچ عملی که اکثریت را از او دور کند انجام نخواهد داد.

* پرسش:

و در میان این همه، جای محمود عباس کجاست؟

* پاسخ:

باید او را وادار کرد که با حماس به توافق برسد. بر مبنایی از همان نوع «توافق مکه».

ما فکر می‌کنیم که این کاملاً به سود اسرائیل است که با دولت فلسطینی‌یی که هر دو حرکت بزرگ فلسطین را در خود جا داده باشد مذاکره کند. چون در این صورت، توافق به دست آمده، تقریباً مورد قبول تمام اقشار مردم فلسطین خواهد بود.

* پرسش:

آیا زمان به نفع ماست؟

* پاسخ:

سال ها Gush Shalom به افکار عمومی اسرائیل گفت که:
- بیاییم با رهبری لایبکی که یاسر عرفات نماینده ی آن است
مذاکره کنیم. وگرنه، نزاع ملّی، به یک نزاع مذهبی بدل خواهد
شد.

و متأسفانه اعلام خطر ما، درست در آمد.
آن هایی که سازمان آزادی فلسطین را نخواستند بپذیرند، حالا در
برابر خودشان حماس را می بینند. و اگر ما نتوانیم با حماس به
توافق برسیم، با سازمان های اسلامی افراطی تری رو به رو
خواهیم بود. از جنس طالبان در افغانستان.

www.ghoghnoos.org

* عنوان و لینک مقاله:

Good Morning, Hamas

www.counterpunch.org/avnery03042008.html